داستان‌های داوطلبانه

پیرمردی که گوشی‌اش زنگ نمی‌خورد

سعید اصغرزاده

نمی دانم این موضوع را شنیده‌اید یا نه؟ دیروز دوستی می گفت پیرمرد گوشی موبایلش را برده تعمیرگاه تا درستش کند. بیچاره تعمیرکار همه‌چیزه گوشی را چک کرده و دیده عیبی ندارد. پیرمرد بر گشته تا گوشی را بگیرد و تعمیرکار گفته که گوشی از همان اول سالم بوده است! پیرمرد اما می گوید: عجیب است! پس چرا بچه‌ها زنگ نمی‌زنند؟

این را که راست و دروغش چه می‌شود نمی‌دانم. ولی اینکه بعضی از رفتارهای ما قابل اصلاح هستند و ربطی به هیچ چیز ندارند جزم مرام و معرفت، بحث دیگری است. اصولا برای داوطلب کار انسانی شدن نباید راهی دور برویم و سنگ بزرگی را برای زمن بردارید. در همین نزدیکی و در خانه پدری خود. حالا نه، خانه‌های همسایه یا محله یا آسایشگاه یا... هستند کسانی که با یک تلفن و با یک صدای محبت‌آمیز دلگرم به زندگی می‌شوند. آیا می‌خواهید این کمک خود را از دیگران دریغ کنید؟

یاد فیلم داستان توکیو افتادم. شاید تا حالا صدبار از تلویزیون جمهوری اسلامی دیده باشیدش، (و شاید تنها کار درست تلویزیون همین بوده در طول دوره خفتش و فیلمی است که برای بار صد و یکم هم ارزش دیدن دارد). داستان توکیو و مادر مسنی تصمیم می‌گیرند در یک تابستان گرم به توکیو سفر کنند تا فرزندان خود را ملاقات کنند. اما فرزندان آنها به خاطر مشغله‌های روزمره توجه چندانی به آنها نمی‌کنند. در این سفر تنها یکی از عروس‌های این پدر و مادر به آنها محبت می‌کند که از قضا شوهر او یعنی پسر این پدر و مادر سال‌ها پیش مرده است. مادر پیر در مسیر بازگشت به خانه بیمار می‌شود و در حالی که فرزندان او در دقایق آخر بر بالینش حاضر شده‌اند می‌میرد.

بقول منتقدی، این فیلم باعث افتخار سینماست و نشان می‌دهد که سینما می‌تواند به ما کمک کند تا گام‌های کوچکی در مقابله با نقص‌هایمان برداریم. فیلم این امر را توسط شخصیت‌هایی انجام می‌دهد که آنچنان جهانی هستند که ما نمی‌دانیم که آنها را می‌شناسیم و تصدیق می‌کنیم. این فیلم بیش از ۶۰ سال پیش ساخته شده، آن هم توسط کسی که ۱۱۰ سال پیش به دنیا آمده است ولی این فیلم انگار درباره خانواده‌های ماست، درباره طبیعت و ذات خودمان. نقص‌ها و جست‌وجوی دست و پاشکسته ما برای عشق و معناست و این که زندگی برای خانواده‌مان آن‌قدر شلوغ نیست و این است که ما آنها را باید حفظ کنیم تا ما را در مقابله با پرسش‌های بزرگ عشق، کار و مرگ محافظت کند. ما به بدیهیات، گفت‌وگوی کوتاه و بی‌اهمیت می‌پردازیم. در زمانهایی که اقوام و خانواده‌ها دور هم جمع شده‌اند به‌جای این که درمورد امید و ناامیدی صحبت کنیم درمورد آب و هوا گفت‌وگو می‌کنیم یا تلویزیون می‌بینیم.

ما چگونه خواهیم توانست ارتباط برون و درون خانواده را حفظ کنیم؟ چگونه خواهیم توانست با تقویت نهاد خانواده به تقویت بنیه‌های اجتماعی بپردازیم؟ و چگونه رفتاری را انتخاب می‌کنیم تا کودکانمان به‌مادر آینده‌گی لطفی نکنند؟

شوخی نیست! اما طلاق‌ها را نگاه کنید. آمار راهنمدگان را، آمار خانه سالمندان را، آمار خیابان خوابی‌ها را، آمار منکدی‌ها را، آمار... چه بر سر نهاد خانواده آمده است؟ مگر نه این است که روابط خانوادگی و خویشاوندی جزیی از وجود هر کسی را تشکیل می‌دهند و مگر نه این است که زندگی خانوادگی عملا کلیه انواع تجربه عاطفی را در بر می‌گیرد و مگر نه این است که روابط خانوادگی میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، برادران و خواهران، یا میان خویشاوندان دور می‌تواند گرم و امیدبخش باشد. پس چه شده که این روابط به همان اندازه سرد، دلمرده و مملو از تنش‌هایی شده که افراد را دستخوش ناامیدی می‌سازند یا آنها را سرشار از احساس عمیق اضطراب و گناه می‌کنند.

جایی می‌خواندم که رویه تاریک زندگی خانوادگی بسیار گسترده است و با تصویرهای خوشبینانه حاکی از هماهنگی که بی‌وقفه در فیلم‌های تجارتی تلویزیون و در جاهای دیگر در رسانه‌های جمعی مشاهده می‌کنیم در تناقض است. رویه ناخوشایند خانواده دارای جنبه‌های متعددی است، از جمله ستیزها و دشمنی‌هایی که به جدایی و طلاق می‌انجامند و ارتباط روابط خانوادگی با آغاز بیماری روانی و...

بین خودمان بماند اگر معطل هستید که این آسیب اجتماعی را کسی بیاید و حل کند یا نهادی یا دولتی و حکومتی، کور خوانده‌اید. این موضوع یک واپاهدگی خود ما از ارتباط درد ما در خیلی از مسائل واپاهده تشریف داریم. شاید هم از ما می‌خواهند که واپاهده باشیم. اما موضوع پیوندهای عاطفی خانوادگی به خود ما ارتباط دارد. ما باید داوطلب ارتباط با پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و فرزند خود باشیم.

محیط زیست

سرمایه‌گذاری یک بانک دولتی برای توسعه کاغذسازی در مازندران

جنگل‌های شمال کابوس تبر می‌بینند

عکس: ایرنا

شهروند| سایه قطع درختان و سناریوی تخریب جنگل‌های شمال هر روز، فاز جدیدتری به خود می‌گیرد. جنگل‌های شمال همواره زیر سایه تبر قاچاقچیان چوب، بیشتر مردم محلی برای به‌دست آوردن زمین‌های جدید کشاورزی، قطع درختان برای ساخت ویلا و برنامه مدیران و نماینده‌گان محلی برای توسعه صنایع چوب و کاغذسازی قرار دارند.

در این میان، هر روز بهانه جدیدی هم تراشیده می‌شود تا جنگل‌های شمال را زیر سایه ببرد و سرسبزی و خرمی نوار شمالی کشور را به‌خاطره تبدیل کند. در جدیدترین خوابی که برای جنگل‌های مازندران دیده شده، پای یک بانک و تلاش نماینده‌گان مازندران برای توسعه صنعت کاغذسازی در مازندران در میان است. نماینده مردم قائمشهر در مجلس، با اشاره به این که حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از قطع درختان، ضروری است از بازدید برخی از اعضای مجمع نماینده‌گان استان مازندران با حضور ریاست بانک ملی از جنگل‌های استان جهت سرمایه‌گذاری در میان است. نماینده مردم قائمشهر در مجلس، با اشاره به این که حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از قطع درختان، ضروری است از بازدید برخی از اعضای مجمع نماینده‌گان استان مازندران با حضور ریاست بانک ملی از جنگل‌های استان جهت سرمایه‌گذاری در مازندران برای توسعه صنعت کاغذسازی در مازندران دیده شده، پای یک بانک و تلاش نماینده‌گان مازندران برای توسعه صنعت کاغذسازی در مازندران در میان است. نماینده مردم قائمشهر در مجلس، با اشاره به این که حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از قطع درختان، ضروری است از بازدید برخی از اعضای مجمع نماینده‌گان استان مازندران با حضور ریاست بانک ملی از جنگل‌های استان جهت سرمایه‌گذاری